

آشپز

روزنامه
بعضی چیزها دوری
این روزنامه
عضویت آزادی
بسیار است
مشرف
تلفن ۹۸۱۷

روزهای انتشار یکشنبه - سهشنبه - پنجشنبه
تلفن ۹۸۱۷

ننگ بر این صیحاها خانی
مردک بر این دستهای مین فروش

وارسته بخناری ها و کاشف هار
کلزونی ها و امامها دارنه بی قانونی
و زورگویی و ادا میدهند و ادوس نیست
دولت نامرز و زاری اجازت بزرگوارن
افغان کوچکترین افغانی نگردد است.
برودنه را بیه تنهائی داده اند
ریسگی کی بکنند

رئیس شور پیکانی
این جانبگیرها است چندین مین بیشتر
است که مردم دستهای امپران از این
برد مرده گندست پرورده و از این
مختاری است شکایت دارند

اینجا هم کینه دوت مستاندره
مختاری مشهور برودنه ساروی ساریانیت
بریحانه خردرا ادا میدهند . الان در
شوریا با صفهان صدها برودنه اصل
و اساس برهله کارگران و آزادی
نروانه موجود است که با دستخورد
مختاری نای دستخوده است .
وارسته خود با کارگران آزادی
نروانه و مختاری مانه بکنند معنی
رفتن میکنند . اینها جنایات خود را زیر
بردههای ضبطت آمیز سیاست پنهان
کرده آهسته و بیخ گوش میکوبند اینها
جنوب است این حرف خیلی متراود .
آقایان بیوهان و معالیات نیکو و آزادی
کش خود را با هم دیگران تمام مشروط
ایران هم و جنوب ندارد مشروط
و قانون و آزادی های نام گذرند معنی
است با بدکاره بشود .

معاهده و مسامحه با بوردان کنگشاهان
منه امای و مسامحه با بوردان کنگشاهان
منلوب است اینها بیوهان و معالیات
نیکو و آزادی کش خود را با هم دیگران
تمام مشروط ایران هم و جنوب ندارد
مشروط و قانون و آزادی های نام گذرند
معنی است با بدکاره بشود .

اینها برای پول برای ثروت از هیچ
جانبی اجتناب ندارند و اساسی نامورین
دولت جیره بازره داده شده بود با
مذور اینها رفتار نمایند .
اینها چه در موقوف داخلی با
مساکین و فقیران را میکنند .
بهرند انچه را و وفات حزب توده
و با کارگران اساس و بنیان آزادی
و با سربکات ضد شوروی جرم آورد
من کنند .
نیز ما با متفقین بیجان دوستی
داریم وارد جنگ شده ایم میخواستیم
مساکینی که برای ما اینقدر گران تمام
شده است نتیجه بگیریم در پی موقوف
باز یک مامورین لایق دولت مردم را بر
هله بکنی از صحت تاریخ و عیبترین
متفقین مانع ریگ میکنند با ایلانریک
تیکران جلوگیری مینمایند و درنگ
برای برائی کرد بود میباید در برارهای
نور چها نوشته وجه سرخانی فتنه آمیز
رسم کرده اند .
مکر امامان قلمرو موسولینی

ای لغت بر بندو بست های اججو جهان

بغیوت است ای جیبی شده است .
بنا بقیده اکثریت مردم ایران مذ
منه بکنی از آن با بیکران بر و مشر
دوره دیکتاتوری است که به زور شور
می بستی فورا مساکه و اهدام خود
جرایب آزاد بشود و مردم بی طرف
بی آزادی و توبرسگان اذیت این
شخصی لایق و عظیم تر از که پوارا است
فریاد خود را با آسمان رسایده اند .
سره استفاده های خود و گمان شک
معنی امروز در جامعه خراب ازل شده
است . با وجود این می بینم نایب گان
مجلس دواتر بنیوست زیر چنگی که او را
۶۸ وای با ۶۴ وای برای نیابت
رئیس مجلس انتخاب میکنند .
فرخ بزودتر زمین بنیوست فقط
یک رای میخواست که رئیس مجلس
شود .

این ننگ است که مجلس شورای
ملی برای ریاست خود فریاد کشی
چند و فرسخ ها که دست پروردگان برسته
دوره دیکتاتوری و از سر بسته های حال
شود و ظلم و بیادگری و آدم کشی
بیست سال برودنه کسی دیگر نبیواند
بیا بکند .
میکوبند اکثریت مجلس نمایندگان

رئیس مجلس شورای ملی بالاخره
رئیس ملت ایران است با مصطلح
فلو و گز - هر را با است این نامی است
هاوت کرد برای ملت تیره ای که
می باشد . ملک معنی فارغ هار و مات
ایران مردمان پلک برین افریغی شده اند
اگر در این ملک معنی و رسدگی
دوست و سخاوت در کار بود این تیب ها
می بستی سرور را به باشد .
شاید دستهای مرمری می خواهند
ببیند و تمام ریاست ملت را از اهلیت
بندارند و مقام این دولت ملک معنی
فرخ اینیواند شنیدند .

اینکه تمام رومها جاوشناطح
خواهد شد شایان توجه است در برابر
تاجهای را پایانی است .
این ریزش پس چنگی روزنامه و کبر
تساویست است که ما می توانیم به
موضوعی که مردم علاقه این هلقه منفه
است پاسخ گوئیم . تمام ما وقتی
پایان خواهد یافت که لای نمایان
باید .
هدف ما تشبیه و جوین و حتی
برای نیست هدف ما آلمان است اما
بخطار آلمان باید آغاز کرد و به
پایشان خواهیم رسید . تمام ماروزی
کمیته خواهد یافت که جنگ شانه ببرد
و جنگ و زانو خانه ببرد که آلمان
پایان باید .

بکنار آلمانی که موفق فرار از
دیکه گری بکنند یک روز خود
می برد .
چرا من از روی بیخ فرا کردم
اسکون در دیکه و داتریک اناده
است .
هر روز نانگیست های ما بیش از
پیش در زمان آلمان فرزند میکنند . هر روز
بیداریم که از ارض می بدی و از اول
سرمایان آلمانی خاک میکنند . ما به
شتاب تصرف هدف پوشش پیش میرویم
سوله و تصرف بزرگترین نفقه بکنند .
که آلمان با دروغ ملت متفقین
ما بر با ما مرهاند آلمان استکبات
دماغی شدن را جز معجزه ازین بردند .
از رود در عبور کردند . وقت بار کر
کردند و اکنون بازه میکنند بهم بازه

تعمد آتای امیر شری کینه ایاتی حزب توده ایران و آماده کار
کران به آزادی با تمام فرای خود از تضامنی مشروع و قانونی ها پشتیبانی
خواهد کرد .
پیشه و میوهی - دکتر کلاورد - ابرح اسکندری

جواب قضای آزادیخواهان تیریز
تعمد آتای امیر شری کینه ایاتی حزب توده ایران و آماده کار
کران به آزادی با تمام فرای خود از تضامنی مشروع و قانونی ها پشتیبانی
خواهد کرد .
پیشه و میوهی - دکتر کلاورد - ابرح اسکندری

صیحه خیه الدین

روزنامه های ملی

از قرار اطلاع سرمدیه الهان از
دست نویسندگان نامه ظفر و دوایلو
تولین به محکمه جنحه شکایت سکوده
است .
مذاین غریبانه و شادی استقبال
کردیم . بیادست که آقا پهلوی ناتوان
و بچاره شده است که بی محکمه ای که
انقدر نامرد مراجه میکند از قانونی
که خود برای بهم زدن آن سرگوشه
حیات میخواند .

از اول انتظار را داشتیم . یک
مرد سیاسی آیم با آن ادهامت سیاسی
و طولی افلاحتن بود . ادهامت سیاسی
را از خود وای نباید . محال کوچک
شخص وانگی آقا بود . دانسته باشند
بر طعن این قانون نامی هم نبیواند
از سبتهائی که باشان داده میشود بدون
مساکه صلاحیتدار که هیت منفه پایور
انسان است خود را تیریز . بالاخره
روزنامه های آزادی خواه که با ایشان
پروگنسی نامزدی اگر بر علیه جان چیز
های میبوستند فقط از غطه نظر سیاست
بانی در صدها ۲

دور تر!

ایکینکه نمداد کورموشانی را که
ما با آنرا از شهر فلان و با بوم جدا
میازد حساب نیکینیم . ما چه ما بدان
مشغولیم بازی دو کده است نیست
ما بکار میبستی دست زده ایم
آلمان حله نیکینیم . ما از اراضی آلمان
و جانوران سیخ آن به میزان متناسبی
کاسیم .

اگر ما برای تربیت فریض هایه
آلمان آمده بودیم . و این و حرمان
نصیبان می گشت . این لامله کردن
اصلاح باقیبرین ولی ما میبوسیم
آلمان نماندیم ما بساری وام کردیم
چاپوران ادهامت و از این شوخیم
و خوشی رادفده هر شوی بعد از خوردن
ذروه کسین و ترک کتک و خوشی
اختیار می کنند . ما دایم که
بانی در صدها ۲

فردانی آزد کفر ذمه خوان
بسی جاه سیاست کزای است که دور
بضی از اوضاع آهمن دکتر هائی
وجود دارد که میرزا از خطر مرگ
بیت میدهند سحر و جادو پیش از مرگ
انرا متوجه اینچنان شده بود تصور
بفردت که دروازه بیبوی جادو شود
ولی در این صحت آزد کفر ذمه خوان
رئیس و داری نامه ای که در اوقات تردیدی
و شکست و بیست تلاش حاصل و
بنوبه خود از این شخص اظهار تشکر
مینمایند . رئیس دفتر این مهندس پیش
خطانده ابرک مهندس است

تعمیر محل آذرب
اداره روزنامه آذرب بعمل جدید در اول
خیابان فردوسی از میدان صده دست چپ جنب
چاپخانه توانا منتقل شد
۲ = ۲

اثریبر

از تبریز

بچان کول صید

خیاهار انخواهد خورده

منور دوتیریز اطلاع پیدا کردیم که سیدضادالله بن بکتگر کماؤنوبی برآید آنگه به تبریز فرستاده است که بیاید و کارهای دربار را بپنداند.

کما بیارول بیایا آقا روشنی دوست کرده بهماز گوش برهنی چای جنب بالاخره وضاه و دیگ دادگشتری را که سیده بنتی دو هرجن بازی و طمان داد و میشی آورده ازین قوم آقا او را مطلع کرده با نته او همراه نموده قامت

رضاهدر بناجید و رباط سری بارید بیه الدین از طرفداران چپی آلان بوده از مخالفین منصومها دولت انگلیس خود را معرفی میکرد. میگفت شکیب سیدضادالله و سایر آزاد خوانان هم او را میپسندیدند

بنی آلان رضاهدر برآستخ سرس طمی که داود در تاریخ زندگانه همیشه قهقهایی مضرب و غلط برداشته است مست حلای سر مرز و آتشده است حتی آقاب دوستان آیدینخواه و تین غرضها باانتشار خبر فوق بالاگفته بودند که شیوشت باسیدضاد و سایر عناصر سیدضاد آزادی برای هیرت آذربایجان خوب نیست ولی آقا در مقابل پوئلطمینش قیوم امروزی بر فرماض دوستان آزادی خواه خود را حاضر نشد بر رویداد رضاهدر و حتی هنگامیکه بیاضخ بهمه خیابا بی مرحوم بی نظارتند بواسطه خصم دوستوسولگری آلان سیانگفته شد قولش آیدین گردیده است آلان سیانگ خواهان نخره ایستاده از تبریز با دست آزادی خواهان تمییده بود.

بطوری که گنیم این آدم کج سلیقه تمام صفت جنگجرا را به هینر تلخینیات مشهود بکفنه هلال سیدیه الدین در آمدانگر در اطراف هیوه اطرائیان سیه شقیفات کامل بسدل سیکند نیپ مشکوک رضا زاده زبایدیناخواهد

بشتر ما مخالفت نگاهداران اش سرخ و ایفاد بجهت شکرانامایش قوتش بران دامنه تفسیر صومسی سید ضیاه است.

سید هیبته سنی کرده است ماچین بران و متنفذین از یکطرف باینکده افکوش و اوتش ایران از طرف دیگر دشمنی متعلق بکنه رضا زاده معلوم نمی شود و طریق گفته رفتار کرده خوسته است با تظاهرات و نشاندوریهای تبریز این روزهاش و ازاده بلوم

بشتر ما میبهره تمام دستورال وادر سعادت اشیری که بنیوران کرده بود گرفته است.

رضه زاده آدمی است که بکده بنابر فی امر او اجدادش معترف سیکند - قضای ایران مطیع و استشار و روزنامه بیول کدانی بلند کرده است.

حس زده می شده که این رکند کینه بر میخواند پولپرا با بالا بکند و الا خودش هم میداست که دوتیریز نمی شود روزنامه خود را وریو اشتر داد

او میخواند که شیشه شاره منتشر بکنند به پسرول ما را به جیب زده بیکوی روزنامه تحویل ده من نصیر ندارم

سید ضیا و رضا زاده در دهه خود هم چیز را پیش نیی گرفته بودند بیشر

گزارش

دست عمل خیانتکار

ارتجاع کار گزانه

زنده ییاد کار گران فیور و نیریز

مجلس شورای ملی در نوووش فرانکون بود نوووش نعت و روزنامه رهبر - در نوووش ظفر نوووش نعت آزر برابیه آژادی موخس وژه سر ازلان بنسایت اول فروردین که عید اووروز باستانی برده بکفمه آزرال و اوپان با تحریک فرانهادر معشخی و رضا داده و سایر کاسه ایسان سیه ضیاه میاب جنی سسه سر ازلان را استقبالی می نمودند داخل شده بود جاو سر ازلان باشمازهای شد آژادی و توپین هر هلیه بیده های هم جاو متنفذین که بیچین سر است با آلان فاشیستی مبارزه خویش برای استقلال و آزادی تمام ملولدنیا و اردک است بفتح بهای موخس شده بدگوئی و توپین هالی می نمودند اینکما کارگران کارخانه سات کفکته جی بشینه بوستان گریبیت سمنانزچرم سازی خسرو چرمسازی ایران شایان خارجی شرکت سمنانی شرکت انتخابی - باو بران احیاده انوار با انتخابی گماشتان انتخابی شیطان انتخابی وزارت اوسادیسر عدالت او دولت فاشیستی سمناییم بیمنت منظ ورواط دوسته مات ایران به ملل بزرگ شعوری و سایر دولت متفق با اشخاص ماچیرا جوهره چای زودکار آذربایجان طرف و مجازات اندک مطلق بود فریادنی توپین جشیه اسرائیل شرر باهی ملی زاده میر تقی فرید ایبانی شرر ملل سعادت اووروز - سمنان - سمنان - سمنان - جلال اشاری مقلب عالی صادق محمد علی جعفر محسنه سین لی شی احمد زاده موسی اف ایروس جنی ملی وادی عالی زاده موسی بیوکده می محمد علی بخت جهر من آخوند زاده یعنی سلیطانی رضا دوخشان موسی زاده

نمایش عظیم بر علیه همال ارتجاع

نعت و زیور نوووش وزارت کتور و نوووش مجلس فروری ملی نوووش کبیره مرتوکی حزب توده ایران نوووش روزنامه رهبر نوووش - وسط آذای پیشرویش وکیل آزادیخواه جبرامیه چیه آزادی نوووش آذای دکن گناوروز روزنامه آذای موخی اولک نوووش آذای مستشار اوله در ۱۶ و ۱۷ متینک صومسی مظهری دوتیریز نوووش آزادی تشکیل بنات نمایان نایب عمال سیدضیاه او سبت آزادی خواهان و لیس باضاه انتخابی و حزب توده ایران درواضیان و میانه شرخ داده و سبایت فاشیستی شد شعوری اجزاب سانگکی سیدضیاه را که در آذربایجان اجرا میشود و نقشه تیرگی ورواط سات ایران با مامل شعوری و ملی مینباید با ذکر فرمایشی چنه بیان نموده کفنه حاشل نی به انقار آره نصیم کرگننه که فضاغما زبر بارهبر شود - خلاصین رضا زاده موسی سیدضیاه شوش آزاده که بختور و روید سیدضیاه همه دا به از غیبات میگفتند و دست تروی تپه مینباید باید مهاکه و مجازات خود ۲ - موتنی کلیل شعریایی و آصمتش فرما اذربایر که از همال رضاهدر و اعواوش شینیایی مینباید باید آسا ۴ - معارضت بریزروا تبرک کفنه والا خود ملت چهده میگردد که با انقار آسان از تبریز همال سعادت آذربایران را غایب شد ۳ - آزادی خواهان آذربایجان نیز خدمت قیوم شرخ و دروازیه بر علیه انتریم مائنه سوم آزادی خواهان دنیا تقدیر میشود و هرچنانچیه رایگ در آذربایجان با توپنه تنگنای سیدضیاه سبت بافراد قشون سرخ ایران میرده ملل فاشیستی نی مینباید لفا ملل مظهر ورواط اصولا مظهر او اول اول و اول توری که از نایب دار و نعت سیدضیاه سر میرده حائز رومییا مستند ده دایم راه اگر لازم آید تا آخرین نظره عون خود را نیز در رخ ندافته و اول قطع بشه عاید سبایت شوم سیدضیاه رواج حسنه باامل خویش محافظ خوانده اند ۴ - هیفاذ اشاری بخشدار اوبانه هرچند در تریب عرض خود تا سبایت کفنه در میان سبت به آزادی خواهان وریو میبهره خانه باید ۵ - جنبشیه خان احمدیباوری و رهقه پوچی جنی عشقخواه رجاچازان خود ۶ - واروت استین اسفندیان و شاپور مختار و لیس شعریایی اسفهان اخبار و عشقب سوند هیبت است ۴ - چه دم آذربایجان باید توریب از دولت مغالبه مینباید به خود توریب تسامح تا ۴ ساعت دیگر نابت خواهد شد که آذربایجان تا به حد سر رضاهدر عالی شوینت میباید سبایت اشرف شرر کفنه گناوروز چشمه الدین سید امدی ملی او بر تریب جدلی نامریی خلل آذربایگان کفنه میبرنام چشمه الدین اسفان بدانگونی سبیارزاده نجف مشاوری قهرمانی هیفاذ میزانی کاظم هاشم امیر معمد بنابر کفهمال

سعادت بردارانه

کبیره مرتوکی حزب توده ایران نوووش ظفر نوووش روزمه رهبر نوووش ظفر و نوووش آذربایر باخ ۲۳۹۰ دینار برای کفکار کارکنان سعادت اسفهان و نیز توسط بانک ملی در پایت صاحب آوری داده دارد کیت ایبانی آذربایجان

از احسانت سمن برشته آزادی خواهان و کارگران خود آنها میبداسته که دو مقال خود تشکیلده عظیم همراز نظری کارکنان تبریز را خوانند دبیر بیکویری دیکر به از ما شوته خواهد شد که در آذربایجان سالی آفتابوارک ندارد

'بهای اشترک'

سالیه ششماه برای کارگران و کشاورزان و سمنان کارمندان جمهره در صدی سبت تحلیف مطبوع میگردد

بهای آنها به دفتر اداره است

چی اداره

(خیابان فرموس چپ چاهانه توانا)

از یادداشتهای مسافرت آذربایجان

وضع با را، ایم بیکناری، نگرانی مردم، ارباب و رعیت احتیاجات شهرستانهای آذربایجان

بیش از بیستدر موضوع اصلی چند کلمه باید در اطراف درکت بشینه: نوووش در تلکراسه که از تبریز رسیده اگنه میبهد که ما کارگران کارخانه آذربایجان بشینه بری امتحان حق خود دو کارخانه گرد آمد، از نوووش غذا انتاع کردیم

بخت سر آن بیکیانکه فعلی هم رسیده است که دو آن کارگران تعصیل رفتار اولیاده حرکت را شرح داده ام شرف غذا و اهلان گرسنگی بخورد که طلمات کارگران در شرایط هادی بسیار سربک و ساده بودم است آنها درامه موخس مقرب ماچه خوردیم و مواضع معراج شد و از طبق فراز داد مغالبه روسی ماچین کرگر و کار فرما همه ساله داده شده است

ما هنوز از نتیجه تحقیقات عمومی کارگران که حتمهت افراشته است اطلاع نداریم اصولا این دو تمام دنیا تاریکی داوری می سبایت فقط در زندانها مهربان سبایت آید و در مواضع معراج زبان نوع مبارزه ست سبایت و اعلان شرف غذا که نوع احتجاج فریبی است اغلب تلذت هم داده و این داووتی نگار میرنده که شور استخوانان کارخانه باشد معلوم میشود کارگران کارخانه بشینه بخت زینت دروست برده اند

هنگامی که در تبریز بودیم با فرهنگسای هر شرکت گنگنو زیاد بود بطور هم در یکی از جلسات کارن صاحبان سهام و نایبند که انتخابی کارگران بادهوریت قابل حاضر هم

از گنگنوی غربی معلوم شد که هبیت مدیر سابق خیبات گزاره شرکت آذربایانس کفنه است

آرژان و از سهام شرک تومانی شش قران تنزل کرده بود اگر او شش بیکوون اشرونی را بایک تومانی بشش از جنک کفینت تنزل کرده بود تقریباً بضریر برسه

دو روز این تنزل مغالبه مغالبه اول کارخانه اشرونی خود از دست سبایت اما بلکه امروز چندین مرائی گرانتر شده است ولی چه باید کرد که اسباب درهادر و متعالی کاصاحبان خردهای آ آنها راه انداخته بود هیچ کسب خود را کم کرده بود و دین بگرنه شرخ ایز داشت

میگفتند برادرهای خرید بحساب مستزین هیبت مدیره بوده اند سوه استفاده و خیانتهای بزرگی کرده اند

باین خا بنات هنوز رسیده کفنه هر دو برادر شرک او در میان احتضار گذاشته بشوران فراز کرده اند آنها مواد خوراکی برادرهای خرید بحساب حرکت آورده اند در فروش هم تقیب سکوده جنسی و ابیت نازل بریده اند و بازوار به فبیت روز فرورخانه اند

علاوه بر این برای نظهار دواور هربین و طرفیای دوست کرده برای خود قهقهایی گزاف منظر کرده اند حتی حاوی ملاه جوروانچی برای اینکه بوزاند در انتعاجات مجلس شورای ملی از

آزادی کارگران استفاده بکنند عده ای ازچاپ مالکنین و سروده ها را بهجانب شرکت تطبیق کرده بشینه و کربلا فرستاده برای اشان خانه زندگی غلبه و محروس کرده است

صاحبان سهام که اغلب کسب و خرد مالکنین مستحق شده می شواهند بربر وسیله باشد پول خود را وصول بکنند

هبیت مدیره تازه سنی میگند کاسه کوژه را بر سر کارکنان سکونه حقوق آنها را تقبیل بدهند و عده ای بیدون ملاصقه و مرزات مقررات قانونی از کارخانه بیرون بریزد

دو راهی ای که ما حاضر شده بودیم نشانهای هنگامه خود آوری همدیم - هکسی بکفنه میبداسته آذربایر برت سرف بکی بکوش دیگری فرو می رفت و پیشنهادهات عجیب و غریب می مدیر عامل بود

شرکت را از افلاس نجات داده او نظرخانیان عده حرکت باید باهر که نیکار باید بیکاری انتخابی کارگران درکا و کفینش کارگری کارخانه تجدید نظر بکنند

این حرف مقولی بود که مابینه کارن کارگران و صاحبان سهام هبیتکام حاضر بودند بشنوند

صاحبان سهام سخت هبله داشتند میبزیده اولشان آزی برود و بعضی پیشنهادهای دیگر که کارخانه را تطبیل کردن ماشینهای آن را نامه فکله بشنوند

پول مردودا بعد از آنکه پانصد برآید اصل در شرایط امروزی هر خانه پانصد بشتر میشود رسایند - کارگران از بیکاری میبزیده میبزیارند کارخانه از کاربان نامهر نشان بریده شود

تجاوز ایست و قیامت حاجی بیچ و چه حاضر نشینند پول خود را بیچ کارخانه معصرف بکنند

بیشایدی بکنند - میبصرف دواور با بانی مانده بود که برواجی آنها را بقیت مدعش حساب بر تسد آورده است معذرت بذاریم ما چه بدانشته که بایر از تبلیس سر بیاز مشرف نهارد مخصوص میبداشته فروش روزها شرکات دو همراز تومانی تاجوارانیکرد این برای مغراج هیبت اداره کانی بود چه برسد بفقون همنه اثر کرگر و معراج خود کارخانه و دواورانی

مخصوصین بکنند با جوادین رعیت شرکات اصلاح بفر است در صورتی که صاحبان سهام حبت کرده بایلی موانع فرض میبایم جدت با بنایباز هیبت مدیره بیکارند

انرا هم فراموش کرده بودیم علاوه بر همه مشکلات دیگر فروش گمر شکن بود آرزوها در صورتی پیشه اوزار تومانی بیایینی بلورث بپردازند برای اینکه وقت برداشت رسیده بود با انقار توفیق میبایست صادر شود

شرکت بشینه و کارخانه آلا بخاره بیکو از اجاق های هم کارگری سرب است که حتمهت نظر هم کار دارده و هزار نفر عماله آنها را از گرسنگی میرواند بجای بدهد

دولت باید در مواظب باشد در موقع لزوم کفک بکنند که این صنعت ملی از این روز و سه هزار گرسنه بیکارند بی حوشواو بیاضت دو مایران تفریبه دیبانه داوچ